



دوران فعالیت‌های درخشان و اثربخش شهید دکتر مصطفی چمران در جنبش اصل، از ویژگی‌هایی برخوردار است که نمایانگر نقش تعیین‌کننده این شهید بزرگوار در شکل‌گیری و ادامه راه این جنبش است. از همین رو، با عادل عون که در بسیاری از برهه‌های حساس با ایشان همراه بوده‌است، گفت‌وگویی داشتیم که از نظر تان می‌گذرد.

درآمد

گفت‌وگو با عادل عون، مسئول نظامی جنبش اصل

چمران، سرباز گمنام...

لطفا ابتدا خودتان را معرفی بفرمایید؟

عادل عون هستم، معروف به ابی یاسر که از زمان تأسیس جنبش اصل به عضویت آن درآمدم و مسئول نظامی آن شدم.

کار نظارت بر آموزش و تجهیز و تسلیح را به عهده داشتیم و در زمان اشغال اسرائیل یکی از مسئولان اطاق عملیات علیه دشمن در جنوب لبنان بودم.

بعد از عقب نشینی از مناطق بیروت، الجبل، صیدا، زهرانی، نبطیه و صور و استقرار دشمن در نوار مرزی باریک و مستحکمی در جنوب لبنان و مرجعیون، همچنان در این موقعیت حضور داشتیم و می‌توانم بگویم که در آزادی و جب‌به‌وجب این مناطق، مبارزین جنبش اصل هم شریک بودند. زیرا جنبش اصل در آن زمان ستون فقرات مقاومت محسوب می‌شد.

پیش از تأسیس جنبش محرومین و گردان‌های مقاومت لبنان (اصل)، بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲، من با درجه ستوانی در نیروهای العاصفه وابسته به فتح فعالیت می‌کردم.

بعد از آن که برادر مجاهد حاج مصطفی دیرانی از جنبش خارج شدند، فرماندهی اطاق عملیات را عهده‌دار شدم و در عین حال تا سال ۲۰۰۰ (یعنی تا زمان آزادی جنوب لبنان) عضو دفتر سیاسی جنبش بودم و از سال ۲۰۰۱ هم تا به امروز، مسئول دفتر جنبش اصل در تهران و ایران هستم.

از چه زمانی با شهید مصطفی چمران آشنا شدید؟ این آشنایی در فرایند شکل‌گیری جنبش اصل، چه صورت‌هایی پیدا کرد؟

اولین آشنایی من با شهید چمران در مصر بود. او به همراه برخی از کادرهای انقلاب ایران در سال ۱۹۷۰ در یک دوره آموزشی در این کشور حضور داشتند. او بعد از آن به لبنان آمد و مدیریت هنرستان جبل عامل، در برج شمالی واقع در شهر صور را به عهده گرفت. در آن زمان من ناظم مدرسه بودم. در این دوره ما هر

من و چمران همانند دوقلوها از یکدیگر جدا نمی‌شدیم. من مورد اعتماد مطلق چمران بودم و این دوستی و همراهی با یکدیگر را تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ ادامه دادیم. در این سال ایشان به همراه یک هیئت از جنبش اصل و مجلس اعلای شیعیان لبنان برای تبریک این پیروزی به امام خمینی و رهبری انقلاب به ایران سفر کردند. امام خمینی (قدس سره) در آن زمان خطاب به هیئت گفته بودند که گرانبهاترین هدیه‌ای که شما برای ما و انقلاب به ارمغان آورده‌اید، دکتر (شهید) چمران است و پس از آن به ایشان اجازه ندادند که به لبنان بازگردند.

فلسطین) جامه عمل بپوشاند. در زمان تأسیس جنبش، من و شهید چمران جزو اولین گروهی بودیم که سوگند تأسیس را ادا کردیم و شهید چمران مسئولیت سازمان مرکزی را به عهده گرفت و من مسئول نظامی شدم.

من و چمران همانند دوقلوها از یکدیگر جدا نمی‌شدیم. من مورد اعتماد مطلق چمران بودم و این دوستی و همراهی با یکدیگر را تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ ادامه دادیم. در این سال ایشان به همراه یک هیئت از جنبش اصل و مجلس اعلای شیعیان لبنان برای تبریک این پیروزی به امام خمینی و رهبری انقلاب به ایران سفر کردند.

امام خمینی (قدس سره) در آن زمان خطاب به هیئت گفته بودند که گرانبهاترین هدیه‌ای که شما برای ما و انقلاب به ارمغان آورده‌اید، دکتر (شهید) چمران است و پس از آن به ایشان اجازه ندادند که به لبنان بازگردند.

شهید چمران نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری جنبش اصل دارد. لطفاً توضیح دهید رویکردهای اولیه این جنبش چگونه و تا چه اندازه در نیل به اهداف آن مؤثر بوده است؟

فکر نمی‌کنم امتیاز تأسیس و شکل‌گیری جنبش اصل به فرد و افرادی جز رهبر آن، امام موسی صدر، کادرها و رهبران آن اختصاص یابد. به خصوص در مورد شهید چمران باید بگویم، او خونی بود که در رگ و اعصاب جنبش اصل جاری بود. او بیشترین حرکت و تکاپو را در جنبش داشت و همواره برای حضور در

دو به نفع انقلاب فلسطین (فتح) فعالیت می‌کردیم. در این شرایط امام موسی صدر برای تأسیس یک جنبش دینی ملی (عقیدتی) می‌اندیشید و آماده‌سازی می‌کرد تا به خواسته‌های محرومین در داخل و گردان‌های مقاومت لبنانی «اصل» (برای دفاع از لبنان در مقابل دشمن اسرائیلی و نیز کمک به مقاومت

■ مرحوم سید احمد خمینی در کنار مبارزان جنوب لبنان.



امام موسی صدر و چمران به او حسادت می کردند. پس وجود شهید بین ما می توانست مسایل سوء علیه جنبش را کاهش داده و برگسترده‌گی روابط بین جنبش امام موسی صدر و انقلاب اسلامی ایران بیفزاید. اکنون جنبش حزب الله یکی از ارکان اساسی کشور لبنان است. تحولات موجود در لبنان را چگونه ارزیابی می کنید و نقش حزب الله را در آینده این کشور چگونه می بینید؟

آنچه که در جولای ۲۰۰۶ اتفاق افتاد و رخدادهایی که صحنه لبنان، بعد از آن و رویارویی های سیاسی و چند دستگی های مخالفان و هواداران (دولت سنبره) شاهد آن بوده که توسط برنامه های آمریکایی - صهیونیستی در خاور میانه اداره می شود، نشان می دهند که حزب الله به رقیمی بزرگ در معادلات تبدیل شده و حذف آن بسیار سخت و اکنون به یکی از مهم ترین برگ ها برای هر نوع حل و فصلی در منطقه تبدیل شده است. حزب الله، اکنون تأثیرگذاری خاص خود را در ابعاد سیاسی و مبارزاتی بر صحنه داخلی لبنان و عربی دارد و محبوبیتش در میان ملل عربی و اسلامی نیز بیشتر شده که به تعمیم الگوی حزب در سطح عربی و اسلامی به خصوص بعد از آزادی جنوب لبنان و پیروزی در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ انجامید (چیزی شنبیه به معجزه بود، در حالی که بقیه جنگ های اعراب با اسرائیل به شکست اعراب منجر شده بود)، به شدت اسرائیلی ها، آمریکایی ها و به تبع آن هم پیمانانش در منطقه را به وحشت انداخته است.

امروز، حزب الله به الگویی انقلابی و نوری برای تمامی آزادیخواهان در سراسر جهان و آنان که به دنبال آزادی فلسطین هستند مبدل شده است. در داخل لبنان هم نقش سیاسی حزب الله بر پایه ملی - عربی - اسلامی استوار بوده و این ویژگی باعث محافظت از خط وحدت بین امل و حزب الله شده است.

اکنون بر پایه «تعاونو علی البر والتقوی» و با یاری و تأیید و مساعدت جمهوری اسلامی ایران و با توجه به کمک های مادی و معنوی که جمهوری اسلامی ایران به عنوان دیوار حمایت کننده مقاومت در لبنان و فلسطین ایفا می کند این اتحاد ادامه دارد. ■

امروز، حزب الله به الگویی انقلابی و نوری برای تمامی آزادیخواهان در سراسر جهان و آنان که به دنبال آزادی فلسطین هستند مبدل شده است. در داخل لبنان هم نقش سیاسی حزب الله بر پایه ملی - عربی - اسلامی استوار بوده و این ویژگی باعث محافظت از خط وحدت بین امل و حزب الله شده است.

و غیره به دست گرفت.

با شناختی که از شهید چمران دارید، اگر ایشان اکنون زنده بود چه تأثیری می توانست در جلوگیری از این انشعابات داشته باشد؟

بعد از خروج سید حسین موسوی و حاج مصطفی دیرانی و همراهانش هیچ نوع انشعاب یا جدایی در جنبش به وجود نیامد. بلکه اگر برای شهید چمران مقرر بود که در لبنان باقی می ماند و در کنار ما زنده می بود انشعاقی یا اختلافی در گذشته یا آینده به وجود نمی آمد. این مسئله هم به شناخت ایشان به امور باز می گردد و این که او پل ارتباطی بین امل و انقلاب ایران می بود.

اما باید حقیقت را به صراحت گفت. آنانی که برای از بین بردن جنبش امل و خط امام موسی صدر علنا و پشت پرده فعالیت می کردند، همان کسانی بودند که کینه شهید چمران را به دل داشته و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به چمران به دلیل روابط ویژه، خاص و منحصر به فرد

جلسات و دیدارها در بیروت، بعلبک و جنوب در رفت و آمد بود و شبانه روز، خستگی ناپذیر به فعالیت می پرداخت.

او برای هر معضلی یک راه حل داشت. به کار خود عشق می ورزید و آن را همسطح عبادت می دانست و همه چیز را برای موفقیت آن فدا می کرد. در قاموس شخصیت وی جایی برای شکست وجود نداشت. اولین کسی بود که به کار و اجرا می پرداخت و آخرین کسی بود که می خورد یا به خواب می رفت. او رهبری منحصر به فرد، مردی استثنایی و بی بدیل بود.

روابط صمیمی شهید چمران و امام موسی صدر از کجا و چگونه شکل گرفت؟

پیش از حضور شهید چمران در لبنان آشنایی بین امام موسی صدر و شهید چمران وجود نداشت. اما بعد از سفر چمران به لبنان این آشنایی صورت گرفت و وی با سید موسی صدر آشنا و از جایگاه رهبری دینی، سیاسی، اجتماعی و انقلابی ایشان مطلع شد.

بعد از این آشنایی بود که چمران از مواضع امام موسی صدر در رابطه با فلسطین، انقلاب فلسطین، موضعشان نسبت به شاه و مخالفت هایشان با این رژیم و فعالیت هایشان در کمک به مجاهدین برای رهایی از حکومت دیکتاتوری و همچنین از میزان روابطی که بین امام موسی صدر و امام خمینی (قدس سره) وجود داشت، مطلع شد. بعد از آن چمران سر تا پا عاشق به امام موسی صدر شد و تصمیم گرفت که با او در لبنان باقی بماند و برای موفقیت برنامه ها و رویکردهایش فعالیت کند. امام موسی صدر بر او نام سرباز گمنام نهاد. او مورد اعتماد و نزدیک ترین فرد به امام موسی صدر بود و در مقابل، سریع ترین دریافت ها را از اندیشه ها و طرح های امام موسی صدر داشت. به نحوی که حتی برخی از دوستان و آشنایان چمران (از تمامی تابعیت ها) به او (به دلیل رابطه نزدیک با امام موسی صدر) احساس حسادت می کردند.

پس از بازگشت شهید چمران به ایران، انشعابی در جنبش امل صورت گرفت. دلایل این انشعاب را در چه می دانید؟ چه کسانی بیشتر سبب چند دستگی شدند؟ آیا زمره این اختلاف ها در زمان حضور چمران نیز وجود داشت؟

هیچ انشعابی یا اختلافی در جنبش امل بعد از غیاب امام موسی صدر به وجود نیامد. بلکه این انشعاق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رخ داد که یکی از مهم ترین کادرها و مسئولان سازمان مرکزی جنبش یعنی شهید چمران به ایران بازگشت. از جنبش دور شد و مسئولیت های جدیدی را در جبهه ایران و عراق

